

تحقیقات اجتماعی پلیس در ایران تا سال ۱۳۸۶

رضا عبدالرحمانی^۱

اصحاب حبیب زاده^۲

تاریخ پذیرش: ۹۱/۲/۱۲

تاریخ وصول: ۹۰/۱۰/۸

چکیده

جامعه‌شناسی پلیس، به عنوان شاخه‌ای نوپا از علم جامعه‌شناسی، ما را به سوی روابط متقابلی که میان پلیس و جامعه وجود دارد، رهنمون ساخته، پیوندهای آن با جامعه را به عنوان سازمانی از سازمان‌های اجتماعی بررسی می‌نماید. «جامعه‌شناسی پلیس» بر این اصل بنا نهاده شده که «پلیس» به عنوان یک پیکره شناختی (همانند تمامی شاخه‌های جامعه‌شناسی) نمی‌تواند در خلأ شکل گرفته، توسعه یابد. از این رو پلیس نه فقط فرآورده و محصول جامعه است و اساساً ماهیتی اجتماعی دارد، بلکه در صور گوناگون خود از طریق عوامل اجتماعی مشروط می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، بررسی، تبیین و توصیف وضعیت تحقیقات اجتماعی پلیس در ایران از زمان ورود جامعه‌شناسی و شروع تحقیقات اجتماعی است. روش تحقیق تولیدات علمی مرتبط با پلیس در این مقاله روش اسنادی و روش گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و اطلاعات ثانویه از منابع و تولیدات مختلف؛ و روش تحلیل نیز توصیفی است.

نگاه جامعه‌شناختی به پلیس در کشورمان غیر مستمر و وضعیتی، متمرکز در درون سازمان پلیس، آمیخته با حوزه سیاسی و بالاخره فاقد سازماندهی تحقیقاتی بوده است. همچنین به دلیل عدم تمرکز در اولویت‌سنجی و نیز ارتباطات علمی اندک میان مراکز تحقیقات اجتماعی حول پلیس، تنوع موضوعی کم و تکرار در آن زیاد است.

واژگان کلیدی: پلیس، تحقیقات اجتماعی، جامعه‌شناسی پلیس.

۱- استادیار دانشگاه علوم انتظامی

۲- استادیار دانشگاه علوم انتظامی



مقدمه

یکی از خصیصه‌های جهان مدرن رشد علوم اجتماعی و توسعه بینش جامعه‌شناسانه است شیخی، (۱۳۸۰). بینشی که در زمینه‌های مختلف حیات انسانی، طی یک قرن گذشته چنان عمیق و گسترده بوده که موجب پیدایی شاخه‌های علمی و دانشگاهی (مانند جامعه‌شناسی خانواده، شهری و روستایی، صنعتی، کار و مشاغل، آموزش و پرورش، ایلات و عشایر، آسیب‌شناسی و انحرافات اجتماعی، سیاسی، کیفری، مسائل اجتماعی، هنر) بسیاری گردیده است (محسنی کوثری، ۱۳۷۸؛ آزاد ارمکی، ۱۳۷۸).

یکی از معانی توسعه حوزه‌های مذکور، آن است که بشر در پی فهم و تبیین بسیاری از ابعاد زندگی و دستاوردهای آن به کمک جامعه‌شناسی است. در این بین جامعه‌شناسی سازمان پلیس، همانند سایر شاخه‌های جامعه‌شناسی رشدی قابل قبول در جهان غرب داشته است. در حالی که تحقیقات مقدماتی نشان می‌دهد این شاخه از جامعه‌شناسی در ایران چندان که باید و شاید توسعه نیافته و از این رو اصول، مبانی، روش‌شناسی، مسائل و موضوعات، و بالاخره رویکردهای نظری آن، به درستی توضیح و تبیین نشده است.

فرض محوری مقاله حاضر، که بر اساس طرحی با عنوان «بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی درباره پلیس ایران» در سال ۱۳۸۶ اجرا و به پایان رسیده، آن است که جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی در ایران تا اندازه زیادی نسبت به موضوع «پلیس» و «نیروهای انتظامی»، به عنوان یک سازمان رسمی دخیل در حفظ نظم و امنیت و یک نیروی اجتماعی تأثیرگذار در تحولات و معادلات اجتماعی - سیاسی بی توجه و یا در بهترین حالت کم توجه بوده است. بررسی این فرض که به لحاظ حوزه موضوعی در حیطه جامعه‌شناسی علم یا جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی قرار می‌گیرد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۸)، نیازمند مرور تاریخی تولیدات اجتماعی گوناگون مرتبط با پلیس؛ از کتاب‌ها، مجله‌ها، مقاله علمی و غیر علمی گرفته تا گزارش‌های دولتی، سمینارها، کنفرانس‌ها، پایان‌نامه، رساله‌ها، طرح پژوهشی، بانک‌ها، پایگاه، سایت‌های اطلاعاتی و از این قبیل است.

چرا که برای شناخت وضعیت هر شاخه از مطالعات اجتماعی، پیش از هر چیز نیازمند معرفت یافتن به پیشینه علمی و پژوهشی آن حوزه است تا از این طریق نه تنها به کمیت و

کیفیت منابع و تحقیقات و نیز چرایی و چگونگی پیدایی آن شاخه از جامعه‌شناسی پی برد، بلکه بتوان از خلال آن تولیدات علمی حوزه مذکور را پیش‌بینی و غنا بخشید. هدف این مقاله ارائه گزارش گونه‌ای از وضعیت یا دورنمای جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی مربوط به سازمان پلیس در ایران است.

بر همین اساس در طرح یاد شده، ابتدا تاریخچه شکل‌گیری، توسعه و تحولات علم جامعه‌شناسی و تحقیقات اجتماعی در ایران مرور شده، روند ورود جامعه‌شناسی به سازمان پلیس و شروع تحقیقات اجتماعی در این خصوص بررسی می‌شود. گردآوری و بررسی منابع و مآخذ مختلف تولید شده در این خصوص، که در قالب جداول و نمودارها ترسیم شده، به ما کمک می‌کند تا وضعیت فعلی و گذشته این بخش از جامعه‌شناسی را توصیف و تحلیل نماییم.

به هر حال مروری اجمالی بر تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس در درون سازمان پلیس (به ویژه دانشگاه علوم انتظامی) طی سال‌های قبل از ۱۳۸۶ و بیرون از آن (که مقاله حاضر خلاصه‌ای از آن می‌باشد)، می‌تواند نشان دهد که تا چه اندازه تحقیقات اجتماعی مرتبط با پلیس در خارج از سازمان و تشکیلات درونی سازمان پلیس در کشورمان، سهم اندکی از مجموعه فراگیر و گسترده تحقیقات اجتماعی را به خود اختصاص داده و ما از این بابت نیازمند تحقیقات و تولیدات علمی بیشتری هستیم. در بخش دوم این مقاله که در شماره بعدی خواهد آمد، تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس پس از سال‌های ۱۳۸۶ تا آخر ۱۳۹۰ و با تأکید بر گزارش‌های مفصل سازمان مطالعات و تحقیقات ناجا، مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش، بررسی، تبیین و توصیف وضعیت تحقیقات اجتماعی پلیس در ایران از زمان ورود جامعه‌شناسی و شروع تحقیقات اجتماعی است تا از این طریق بتوان به شناخت و آگاهی عمیق‌تری در باره تحقیقات حدوداً هشتاد ساله جامعه‌شناسی در ایران و وضعیت جامعه‌شناسی سازمان پلیس رسید.



- تبیین وضعیت تولیدات علمی با رویکرد تحقیقات اجتماعی پلیس
- تعیین میزان منابع علمی و آکادمیک یا تخصصی با رویکرد تحقیقات اجتماعی پلیس در درون و بیرون سازمان پلیس.

سؤال‌های تحقیق

سؤال اصلی این پژوهش بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی پلیس در ایران از زمان ورود جامعه‌شناسی و شروع تحقیقات اجتماعی چگونه بوده است؟ و سؤال‌های فرعی آن عبارت‌اند از:

- حدود و حوزه موضوعی تحقیقات اجتماعی درباره سازمان پلیس چیست؟
- موضوعات مورد تحقیق در حوزه مطالعاتی پلیس در جامعه ما از چه اهمیت و موقعیتی برخوردار بوده است؟
- چه ارتباطی میان حوزه مطالعاتی سازمان پلیس با سازمان‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی و اجرایی دیگر (مرتبط و غیر مرتبط با وظایف و مأموریت‌های سازمان پلیس) وجود دارد؟
- مراجع و منابع اطلاعاتی مرتبط با حوزه مطالعات اجتماعی پلیس کدامند؟
- موقعیت و وضعیت نشریات، سمینارها، گزارش‌های دولتی، بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی و ... مرتبط با حوزه مطالعاتی سازمان پلیس با رویکرد اجتماعی چگونه است؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

مطالعه ابعاد اجتماعی و سیاسی پلیس به عنوان یکی از نیروهای تأثیرگذار اجتماعی (در کنار سایر نیروها مانند روشنفکران، نخبگان، کارگران، روحانیون، دانشجویان) هم در کشورهای جهان سوم، به لحاظ این که در پیدایی، دوام و زوال حکومت‌های اقتدارگرا تأثیر گذارند؛ و هم در جوامع توسعه یافته، از این جهت که نقش واسط میان گروه‌های اجتماعی و حکومت را داشته و اطلاعات لازم در خصوص مطالبات، نیازها و خواسته‌های شهروندان را به حکومت انتقال می‌دهد، حائز اهمیت است (شیخی، ۱۳۸۰، صص ۱۹۱ - ۲۱۲).



در نتیجه «جامعه‌شناسی سازمان پلیس» با تأکید بر اهداف مقاله، داعیه پاسخ‌گویی به هشت دسته از رویدادهای اجتماعی (که در بالا آمد) را دارد و محورهای اساسی مطالعات اجتماعی حول آن می‌تواند به توصیف و تا اندازه‌ای توضیح آن دسته از وقایعی اختصاص یابد که به ارتباط میان سازمان پلیس به عنوان یکی از پدیده‌های اجتماعی و سایر رویدادهای متقدم در چرایی و چگونگی ظهور، تحول و تغییر آن قرار دارد.

اما ضرورت انجام چنین مطالعاتی به سبب آن است که وقتی با مجموعه‌ای از مطالعات اجتماعی حول یک حوزه خاص (در اینجا سازمان پلیس) به عنوان یک پدیده مستقل قابل بررسی روبرو می‌شویم، قادر خواهیم بود از جایگاه مشرف بر آن مطالعات؛ کمیت و کیفیت منابع گوناگون در آن حوزه یا رشته را شناسایی، فراز و فرودهای آن را بررسی و بالاخره فعالیت‌های آتی را به گونه‌ای هماهنگ و نظام یافته پیش برد (محسنی و کوثری، ۱۳۷۸).

ویژگی این نوع نگاه به مطالعات اجتماعی پلیس آن است که می‌توان تا حدودی دریافت، تحت تأثیر چه جریان‌های اجتماعی و سیاسی، پدیده‌ای همانند سازمان پلیس برای حوزه جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان مهم و حیاتی تلقی می‌گردد. چرا که ممکن است در یک دوره زمانی خاص حجم انبوهی از پژوهش‌ها به موضوعی خاص اختصاص یابد و از این طریق سبب ظهور شاخه جدیدی از آن علم گردد. یکی از نتایج عینی افزایش حجم تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس با رویکردی علمی آن است که احتمالاً موجب خواهد شد موضوعات مبتلا به سازمان پلیس به طور واقع بینانه و نه یک‌جانبه، مورد کاوش قرار گیرد و در حیطه سیاست‌گذاری و اجرا، کاربردهای مؤثری یابد (عبداللهی، ۱۳۷۵، ص ۸۱). پر واضح است که در چنین شرایطی نه فقط اهمیت توجه به این حوزه از جامعه‌شناسی، به لحاظ توصیفی (وضعیت تولید دانش اجتماعی درباره پلیس) معین می‌گردد، بلکه به جهت تحلیلی (علل وجودی این شرایط، عوامل اجتماعی متقدم بر چنین اوضاع و احوالی، پیامدهای حاصل از این شرایط و غیره) و مدیریت پلیسی (یافتن راهکارهایی برای تغییر و اصلاح این سازمان و آن شرایط و رسیدن به نوعی از پلیس متناسب با شرایط اجتماعی) نیز بیش از پیش نمایان می‌شود.



پیشینه تحقیق

بررسی تاریخیچه تأسیس پلیس ایران به معنای مدرن آن^۱، یکی از روش‌های بررسی وضعیت نخستین نوشته‌ها و تولیدات اجتماعی ملهم از پلیس است. از این طریق، می‌توان انواع منابعی که درباره پلیس یا برای پلیس در قالب سفرنامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و گزارش‌های ثبت شده با موضوعات گوناگون و متنوعی مانند انواع پلیس‌ها، وظایف و اختیارات پلیس، چگونگی انتخاب و ویژگی‌های اجتماعی یک پلیس به چاپ رسیده، بررسی و تحلیل کرد.^۲

در شوال سال ۱۲۹۵ نخستین منبع رسمی مرتبط با پلیس، یعنی «کتابچه قانون کنت دو مونت فوریه» که مشتمل بر یک مقدمه و ۵۸ ماده واحده بود، انتشار یافت. مقدمه این کتاب درباره وظایف و حدود و اختیارات پلیس و قوانین و نیز درباره توطئه علیه خاندان سلطنت، اعمال منافی عفت، جنحه، جنایت بر ضد دولت و دین، سرقت و توهین به مأموران دولت و همچنین وظایف مستخدمان و نوکران در مقابل اربان بود (ترابی و محبوبی منش، ۱۳۸۱).

مجموعه گزارش‌های «کنت دومونت فوریه»^۳، که پس از پایان یافتن مأموریت و منصوب شدنش به عنوان آجودان مخصوص ناصرالدین شاه نگارش یافت، نخستین منبع کلاسیک برای بررسی وضعیت اجتماعی پلیس ایران است. اهمیت این گزارش به لحاظ جامعه شناختی آن است که نه تنها اطلاعات ارزش‌مندی درباره شرایط اجتماعی آن زمان به ما نشان می‌دهد، بلکه منبع اصلی نقد و بررسی‌ها درباره وظایف و مأموریت‌ها و نیز سیر تحولات سازمانی درباره پلیس ایران است (بری‌دال، ۱۳۸۰).

ویژگی مهم این کتابچه به جهت جامعه شناختی پلیس، در برداشتن گزارش‌هایی با مضامین متنوعی چون تخلفات مأموران پلیس و نظمی، کارکردهای انتظامی و قضایی و

۱- یعنی سال ۱۲۹۵ و نصب تابلوی اداره جلیله پلیس دارالخلافه در خیابان الماسیه یا باب همایون فعلی از سوی «کنت دومونت فوریه»

۲- در این خصوص رجوع شود به مینورسک، ۱۳۳۴: ۱۵۱-۱۵۲ و ۱۳۶؛ روملو، ۱۳۵۷: ۴۸۹؛ اعتمادالسطنه، ۱۲۰۰؛ شیخ رضایی و آذری، ۱۳۷۷.

۳- با عنوان «راپورت‌های وقایع مختلفه محلات دارالخلافه»



اختیارهای وسیع پلیس محلی، کمیت و کیفیت جرائم و انحراف‌های، برخی ویژگی‌های اخلاقی پلیس و ... است.

منابع اجتماعی دیگر در خصوص پلیس ایران، تدوین و ترجمه جزواتی بود که از سوی فرستاده‌های سوئدی، یعنی «وستداهل» و «وارفاس» تهیه گردیده (سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۲، صص ۲۹۳-۲۹۲؛ سیفی قمی تفرشی، ۱۳۶۷)، و نیز نگارش نظام نامه‌های مختلف بود که هم برای آموزش‌های عمومی و تخصصی کارکنان نظمی و هم جهت آگاه‌سازی احاد و اقشار مردم بود.

یکی دیگر از منابع پلیسی که شاید بعد از گزارش‌های «کنت دومونت فوریه» و ترجمه و تدوین منابع درسی سوئدی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار بود، انتشار دو مجله با عناوین «نظمیه» و «پلیس» بود. اهمیت این دو مجله چنان بوده که برخی از پژوهشگران حوزه پلیس آن را نقطه عطف فعالیت‌های پژوهشی و تولید دانش انتظامی و حتی با اهمیت‌تر از کار کنت و سوئدی‌ها می‌دانند. هدف اصلی این دو مجله (که در اداره تفتیش منتشر می‌شد)، افزایش اطلاعات و دانش پلیسی در کنار کمک به پلیس‌ها برای دوری از هرگونه لغزش و گرایش به فساد در دستگاه پلیسی بود. مجله «پلیس» بر خلاف سنت مجله داری در ایران، که مجلات معمولاً عمر کوتاهی دارند، پس از تغییر نام به «نامه شهربانی» در دوره ریاست «مختاری» تا اواخر سال‌های ۱۳۵۶ به چاپ می‌رسید (قاسمی، ۱۳۷۲).

به جز این دو مجله، انتشار برخی نشریات و نیز برخی منابع آموزشی عموماً با رویکرد سازمانی و تخصصی، منابع قابل ذکر دیگری در دوره پیش از انقلاب تولید نشده است. اگر هم شده، به سبب عدم ثبت دقیق اطلاعات از دسترس ما دور مانده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا سال ۱۳۷۱، منبع قابل ذکری، به جز مطالب و گزارش‌های روزمره و عادی روزنامه‌ها، وجود ندارد. این وضعیت از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۸، که برخی آن را دوره سیاسی‌تر شدن جامعه (و نیروهای مختلف اجتماعی می‌دانند) می‌دانستند، ادامه یافت. هر چند که در این دوره حجم قابل ملاحظه‌ای از مقالات و گزارش‌های انتقادی با رویکردی سیاسی و اجتماعی درباره اقدام‌های و مأموریت‌های پلیس در نشریات مختلف کشور نگارش یافت، اما بیشتر آنها سوگیرانه و کمتر با چارچوب‌های علمی منطبق بوده‌اند. از این



رو منابع مذکور، اگر چه می‌توانند به لحاظ تحلیلی منبعی ارزشمند برای تحلیل محتوا باشند، اما هم به لحاظ محتوا و هم به جهت اعتبار علمی و آکادمیک، کم اعتبار و غیرقابل استنادند (معاونت اجتماعی ناجا، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴).

اوج تولیدات و تحقیقات اجتماعی درباره پلیس متعلق به سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ (دوره برون رفت ناجا از منازعات مختلف) است. طی این سال‌ها مطالعات و پژوهش‌های بی شماری، لااقل در درون سازمان ناجا در خصوص پلیس با رویکرد اجتماعی و در قالب نظرسنجی‌ها، اجرای طرح‌های پژوهشی، بررسی‌های موردی، برآوردهای اجتماعی، ایجاد پایگاه داده‌های اجتماعی، برگزاری همایش‌ها و نشست‌های علمی با هدف تعمیق بخشیدن به بنیان‌های نظم و امنیت، شناخت آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری و مقابله با جرائم به اجرا در آمد.

مجموعه فعالیت‌های پژوهشی و تولیدات پلیسی با رویکرد اجتماعی (با تأکید بر منابعی که پیشتر گفته و ضمناً در روش شناسی خواهد آمد) در قالب نمودار به پنج دوره قبل از انقلاب اسلامی؛ و سال‌های بعد از انقلاب از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱؛ از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸؛ از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴؛ و از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ تقسیم شده است.



نمودار ۱. فعالیت‌های پژوهشی و تولیدات پلیسی با رویکرد اجتماعی در پنج دوره قبل و بعد از انقلاب اسلامی

اگر تحقیقات اجتماعی مرتبط با پلیس را بتوان به دوره‌های گوناگون از لحاظ حجم و تنوع منابع تولید شده، سازمان‌ها و مؤسسات تأسیس شده، میزان بودجه و ... دسته‌بندی کرد، همان طوری که در نمودار فوق ملاحظه می‌شود، دوره چهارم در این بین (دوره فرماندهی سردار قالیباف طی سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴ با ۴۷ درصد) اگر مهم‌ترین دوره ناجا به جهت تولیدات با رویکرد اجتماعی نباشد، مطمئناً از مهم‌ترین دوره‌هاست و دوره پیش از انقلاب به سبب شرایط خاص خود، تنها ۵ درصد از منابع تولیدی پلیس به مباحث اجتماعی اختصاص داده شده بود. مابقی دوره‌ها به ترتیب دوره اول بعد از انقلاب (از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱، ۸ درصد)؛ دوره دوم بعد از انقلاب (از سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۸، ۱۲ درصد) و بالاخره دوره سوم بعد از انقلاب (از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶، ۲۸ درصد).

از این رو، به جرأت می‌توان گفت که حجم تحقیقات اجتماعی درباره پلیس طی این سال‌ها با حجم تمامی تحقیقات اجتماعی که پیش از این صورت گرفته بود، برابری می‌کند. علاوه بر اینکه این دوره به سبب اتخاذ راهبرد «پلیس اجتماع محور» از سوی فرماندهی نیروی انتظامی کشور تحولی بزرگ در حوزه رویکرد اجتماعی به وجود آورد. می‌توان گفت تمامی منابع تولید شده پلیسی با رویکرد اجتماعی پس از این سال‌ها به نوعی مرهون و مدیون نگاه جدیدی بود که در این دوره به وجود آمد.



روش شناسی تحقیق

اگر چه در ایران به علل فراوانی هیچ گاه نمی توان ادعا کرد که اطلاعات آماری بدست آمده در خصوص یک موضوع دقیق و بی نقص است (اجلالی، ۱۳۸۱)، لکن این بخش از مقاله به توصیف آماری آن دسته از منابع و مآخذی (کتابها، مجلهها، مقاله علمی و غیر علمی، گزارش دولتی، سمینارها، کنفرانسها، پایان نامه، طرح پژوهشی، بانکها، پایگاه، سایت های اطلاعاتی و ...) اختصاص دارد که مرتبط با پلیس با رویکردی اجتماعی تولید شده اند (حریه، ۱۳۶۷).

با جمع آوری اطلاعات از این منابع، روشن گردید که مجموعه آثار مرتبط با پلیس را می توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱. منابعی که از سوی پلیس ها نوشته یا تولید شده است؛
۲. منابعی که در باره پلیس ها از سوی غیر پلیس ها و پلیس ها نوشته یا تولید شده است؛
۳. منابعی که برای پلیس ها نوشته یا تولید شده است.^۱

با این که می توان در باره هر یک از این سه دسته بندی سخن گفت، اما هدف این مقاله بیشتر ثبت اطلاعات آماری آن دسته از نوشته ها، تولیدها یا منابعی است که اساساً با رویکردی اجتماعی در زمانها و شرایط اجتماعی گوناگون در باره پلیس ها، از سوی پلیس ها و غیر پلیس ها نگاشته شده است، یعنی مورد دوم این دسته بندی. بنابراین دو شاخص اصلی جمع آوری منابع، نخست توجه به اجتماعی بودن آن و دوم نگارش آن از سوی هم پلیس ها و غیر پلیس است. از این رو ممکن است بسیاری از منابع با رویکرد غیر اجتماعی ای که از سوی پلیس ها و یا غیر پلیس ها، برای پلیس ها و مختص به پلیس ها نگاشته شده (مانند بسیاری از کتب درون سازمانی، مثلاً در باره اسلحه یا رزم انفرادی، آئین نامه داخلی، گشت و از این قبیل) از این آمار حذف شده باشند.

۱- در این باره نگاه کنید به حسام، ۱۳۷۸.



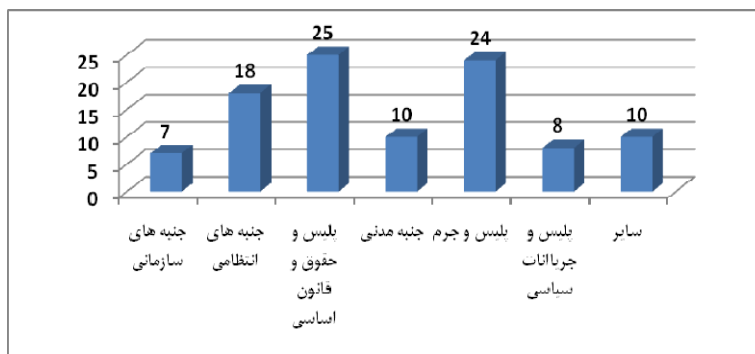
بنابراین برای نشان دادن وضعیت جامعه شناسی و تحقیقات اجتماعی پلیس در ایران، آن دسته از منابع اجتماعی مرتبط با پلیس که از سوی پلیس ها و سازمان های مربوط نگاشته شده و یا به کمک محققان و نویسندگان بیرون از نیروی انتظامی در درون سازمان پلیس به چاپ رسیده، در این آمارها ذکر شده تا از این طریق بتوان میان کمیت منابع اجتماعی نگاشته شده از سوی پلیس ها و سازمان های مربوط با محققان و سازمان های غیر پلیسی مقایسه ای صورت داد. برای گردآوری اطلاعات، طبقه بندی، توزیع فراوانی ها و مقایسه انواع تولیدات اجتماعی این دو دسته از آماره ها به منابع مختلف درون و بیرون سازمانی از قبیل موارد یادشده، رجوع شده است: سامانه پژوهشی سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا، بانک اطلاعاتی اداره کل مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا، بانک های اطلاعاتی مرکز کاربری شش گانه ناجا، مراکز تحقیقات کاربردی نیروی انسانی و آموزش، کشف جرائم و امنیت، پشتیبانی و مهندسی، فن آوری اطلاعات، انتظامی، راهنمایی و رانندگی یا ترافیک و حمل و نقل)، بانک اطلاع رسانی پژوهش دانشگاه علوم انتظامی، بانک خانه کتاب (کتاب نت)، پایگاه اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، کتابشناسی های موجود در کتابخانه ملی ایران، مگ ایران، نمایه نامه های نشریات، سی دی نمایه، راهنمای مجله های ایران. با توجه به مطالب یادشده، روش مقاله، توصیف اسناد و مدارک به شکل کتابخانه ای است.

بنابراین روش تحقیق تولیدات علمی مرتبط با پلیس در این مقاله روش کتابخانه ای و اسنادی و روش گردآوری اطلاعات، جمع آوری اطلاعات ثانویه از منابع و تولیدات مختلف؛ و روش تحلیل نیز توصیفی است.

یافته های تحقیق

در ذیل برخی یافته ها درباره چگونگی تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس ایران در قالب نمودار آمده و شرح هر یک از آنها به اختصار بیان شده است.

به طور کلی با بررسی انواع منابع تولید شده درباره پلیس با رویکرد اجتماعی می توان نموداری بر اساس مهم ترین موضوعات مطرح شده در بیرون از ناجا را به این شکل ترسیم کرد.



نمودار ۲. انواع منابع تولید شده درباره پلیس با رویکرد اجتماعی در بیرون از ناجا

همان طور که در نمودار آمده، دو موضوع «پلیس، حقوق و قانون با ۲۵ درصد» و «پلیس و جرم با ۲۴ درصد» از جمله مهم ترین منابع تولید شده در بیرون از ناجا و «جنبه های سازمانی پلیس با ۷ درصد» و «جریانات سیاسی با هشت درصد» در پائین ترین رتبه به جهت موضوعات اجتماعی هستند، که طی سال های مختلف با رویکرد اجتماعی به چاپ رسیده اند.

در یک بررسی مقایسه ای معلوم گردیده که در بیرون از ناجا دغدغه های اجتماعی درباره پلیس اساساً جنبه های قانونی و جنایی است، در حالی که در درون ناجا، این دغدغه ها اساساً امنیتی، نظم و انضباط اجتماعی است. این یافته با آن چه که ما در متن اصلی طرح و نیز تا اندازه ای در بالا یادآور شده بودیم، قرابت دارد. به این معنا که جامعه علمی کشور (به علل فراوان) چندان به نقد، انتقاد یا موضوعات امنیتی ناجا علاقه مند نیست.



نشریات درون سازمانی ناجا

در این خصوص، به نظر می‌رسد که نخستین مجله پلیسی در درون سازمان نیروی انتظامی «ماهنامه ژاندارمری» باشد که با حوزه موضوعی اجتماعی، حقوقی، نظامی و علمی به چاپ می‌رسیده است (قاسمی، ۱۳۷۲). این ماهنامه برای نخستین بار در سال ۱۳۲۸ به چاپ رسیده و تا آستانه پیروزی انقلاب اسلامی یعنی در سال ۱۳۵۶ و بنا به روایتی تا پایان سال ۱۳۵۹ به کار خود ادامه می‌داده است (سلطانی و اقتدار، ۱۳۶۹). این مدت طولانی انتشار برای نشریه‌ای نظامی-انتظامی در کشوری که شاید به جرأت بتوان گفت که هیچ مجله‌ای به این قدمت یافت نمی‌شود، جالب است. بررسی علل دوام و بقای این نشریه می‌تواند خود موضوع یک مقاله یا تحلیل باشد. اما مابقی نشریات درون سازمانی (تقریباً به ترتیب قدمت انتشار آنها) به شرح زیر است.

- شهربانی یا نامه شهربانی (۱۳۱۴ - ۱۳۵۶)، با حوزه موضوعی اجتماعی، پلیسی و حقوقی^۱؛
- پلیس ایران ۱۳۵۹ سیاسی - اجتماعی، چاپ در شهر اهواز؛
- هشدار پلیس ۱۳۵۸ - ۱۳۵۹ امور پلیسی (مراقبت و حفاظت)، ماهنامه؛
- پلیس امروز (اطلاعاتی درباره آن یافت نشد)؛
- پلیس انقلاب از سال ۱۳۶۰ به بعد تا اواسط همان دهه با موضوعات انتظامی، سیاسی و اقتصادی به چاپ می‌رسیده است؛
- ماهنامه پلیس، نشریه شهربانی، با عناوین متعدد، از سال ۱۳۰۴ تا نزدیک به ۴۰ سال، یعنی اواسط دهه ۴۰ به چاپ می‌رسیده است. این نشریه از جمله نخستین نشریات کشور بود که اجازه انتشار یافته بود؛

۱- این مجله در ابتدا با عنوان پلیس در سال‌های بعد از ۱۳۰۴ با مایه‌های فنی، علمی و ادبی منتشر می‌شده که پس از سال ۱۳۱۴ با تغییر نام به «شهربانی یا نامه شهربانی» تا سال ۱۳۵۶ به چاپ خود ادامه داد (قاسمی، ۱۳۷۲) پس از آن به صورت جسته و گریخته با رویکردی اجتماعی، پلیسی و حقوقی به کار خود تا پیش از انقلاب ادامه می‌داده است (صادقی، ۱۳۵۲، ص ۷۹؛ امین صارمی، ۱۳۸۴، ص ۳۸).

• پلیس ایران، روزنامه با رویکرد سیاسی - اجتماعی که از سال ۱۳۲۷ به چاپ می‌رسیده و با تغییر نام به ارشاد تا سال‌های زیادی به چاپ خود ادامه داد. اما زمان توقف این نشریه دقیقاً مشخص نیست؛

• پلیس و مردم از سال ۱۳۴۰ - ۱۳۴۸ اجتماعی، ادبی و پلیسی. مرتبط با راهنمایی و رانندگی؛

• رانندگی و پلیس (هیچ اطلاعاتی درباره آن یافت نشد).

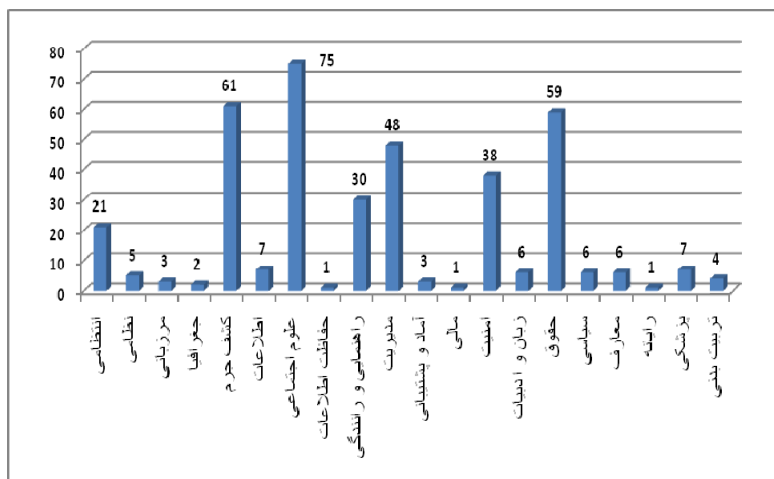
داده‌های توصیفی نشان می‌دهد که تقریباً سطح علمی و اعتبار تمامی این نشریات، در رده پائینی قرار داشت و ما تا دهه‌های آخر ۱۳۷۰ هیچ نشریه درون سازمانی با اعتبار علمی به طور اعم و دانشگاه علوم انتظامی به طور اخص وجود نداشت. آمارها نشان می‌دهد که تنها در سال‌های آخر ۷۰ بود که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (دانشگاه علوم انتظامی) با انتشار نشریه‌ای با عنوان «فصلنامه دانش انتظامی»، توانست در سال ۱۳۸۳ اعتبار علمی - ترویجی و در سال ۱۳۸۶ اعتبار علمی - پژوهشی را برای آن به دست آورد. به طوری که فصلنامه دانش انتظامی، به عنوان نخستین نشریه علمی - پژوهشی سازمان نیروی انتظامی، و پس از آن زمینه برای کسب اعتبار علمی برای سایر نشریات دانشکده‌ها و رده‌های تحقیقاتی به وجود آمد، به طوری که در حال حاضر نشریات انتظام اجتماعی دانشکده انتظامی، مطالعات مدیریت انتظامی دافوس، «مطالعات امنیت اجتماعی» معاونت اجتماعی و نظم و امنیت سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا به عنوان نشریات علمی - پژوهشی و نشریات مطالعات مدیریت ترافیک دانشکده راهور، پلیس زن مجتمع آموزش عالی زنان پلیس، توسعه دانشکده اداری - فنی، توسعه منابع انسانی، کارآگاه معاونت آگاهی، نظارت و بازرسی، فصلنامه مدیریت آموزشی نیز دارای رتبه علمی - ترویجی هستند.

پس از دانشگاه علوم انتظامی که در رأس تولیدکنندگان دانش اجتماعی در خصوص سازمان پلیس قرار دارد، اداره کل مطالعات و پژوهش‌های اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا برای گسترش مطالعات و تحقیقات اجتماعی خود و نیز اهدافی چون: تبیین مبانی، رویکردها و راهبردهای مرتبط با نظم و سامان امنیت اجتماعی؛ تبیین رویکرد جامعه



محوری ناجا؛ ایجاد بستری برای تبیین، تولید و نشر اندیشه‌های مرتبط با مسائل و پدیده‌های اجتماعی؛ بسط ارتباط و تعامل با نخبگان، صاحب نظران و مراکز علمی و پژوهشی، از سال ۱۳۸۲ اقدام به انتشار فصلنامه‌ای با عنوان «مطالعات امنیت اجتماعی» کرده است، که هنوز تداوم دارد. همان گونه که ملاحظه می‌شود، این معاونت با اهداف یادشده، به دنبال همان چیزی است که ما پیش تر به عنوان مهم ترین مشکلات تحقیقات پلیس در حوزه اجتماعی بودیم (مهدی و لهسایی زاده، ۱۳۷۵). برای مثال، توضیح در خصوص نظم و سامان اجتماعی، تولید موضوعات متنوع اجتماعی در خصوص پلیس، برقراری ارتباطات علمی برای تولید دانش اجتماعی - پلیسی و از این قبیل.

در نمودار ذیل توزیع فراوانی و درصد مقالات به چاپ رسیده در مجلات علمی و تخصصی درون سازمانی ناجا آورده شده است.



نمودار ۳. توزیع فراوانی و درصد مقالات به چاپ رسیده در مجلات علمی و تخصصی درون سازمانی ناجا

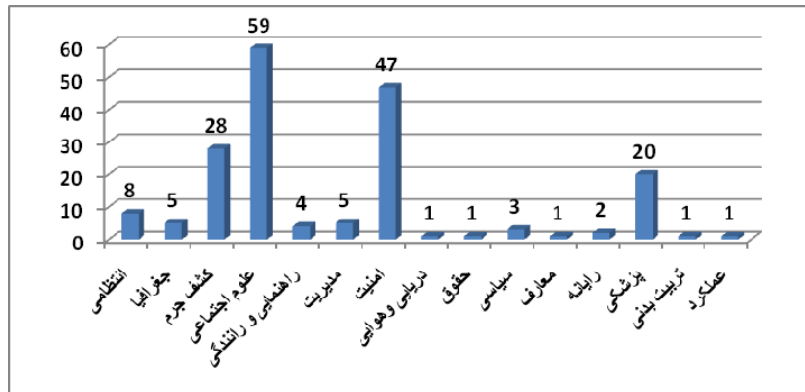
این نمودار نشان می‌دهد که بخش اعظمی از موضوعات مقاله‌های به چاپ رسیده در درون ناجا به حوزه علوم اجتماعی (با عنوان مقاله و ۱۹/۵ درصد اختصاص داشته و پس از آن کشف جرایم (با عنوان مقاله و ۱۵/۸ درصد)، حقوق (با عنوان و ۱۵/۳

درصد)، مدیریت (با ۴۸ عنوان مقاله و ۱۲/۵ درصد)، و امنیت (با ۳۸ مقاله و ۹/۸ درصد) در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

واقعیت این است که یافته‌ها در حوزه‌های گوناگون جامعه‌شناسی (از جامعه‌شناسی خانواده، دین، روان‌شناسی اجتماعی و آموزش و پرورش گرفته تا جامعه‌شناسی ارتباطات، آسیب‌شناسی اجتماعی، قشرها و نابرابری‌های اجتماعی و ...) نشان می‌دهد که اگر چه مقالات درباره پلیس (به عنوان سازمانی در رأس پیشگیری و مقابله با پدیده‌هایی چون جرایم، انحرافات، آسیب‌های اجتماعی و نیز برقراری نظم و امنیت)، در نشریات درون سازمانی و برون سازمانی تا اندازه‌ای زیاد است، با این وصف هنوز نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی پلیس، بلکه در بسیاری از حوزه‌های جامعه‌شناسی در ایران، مجله‌ای تخصصی با مقالاتی تخصصی وجود نداشته است. حتی هم اینک نیز در حوزه جامعه‌شناسی پلیس، ما کمتر مؤسسه یا سازمان علمی مستقل رسمی و غیررسمی و نیز رشته یا درسی را با عنوان «جامعه‌شناسی پلیس ایران» در دانشگاه‌ها مشاهده کرده ایم^۱، که بتواند به تولید مقالات علمی در این باره پردازد. از این رو، کمبود نشریه‌ای تخصصی در این باره به شدت احساس می‌شود.

در کل تعداد نزدیک به ۱۹۰ سمینار، کنفرانس، همایش، نشست، گردهمایی و غیره درباره پلیس در کشورمان برگزار شده که بیشترین آنها در معاونت اجتماعی ناجا بوده است. ویژگی این سمینار، کنفرانس، همایش، نشست و گردهمایی عبارت‌اند از: بیشتر آنها دولتی و رسمی بوده است؛ اساساً درون سازمانی بوده تا برون سازمانی؛ هیئت علمی شرکت‌کننده در آنها بیشتر از درون سازمان و گاه بیرون از سازمان بوده است؛ هر چه به جلوتر می‌رویم (نسبت به گذشته‌ها) توجه به محققان خارج از سازمان ناجا بیشتر می‌شود؛ و بالاخره اینکه تعداد زنان شرکت‌کننده و عضو هیئت علمی در این سمینارها و نشست‌ها بسیار کمتر از مردان بوده است.

۱- راسخ و شاپور ۱۳۴۷؛ سلطانی و اقتدار ۱۳۶۹.



نمودار ۴. توزیع فراوانی و درصد سمینار، کنفرانس، همایش، نشست، گردهمایی تا سال ۱۳۸۶

نتیجه گیری

با اینکه امروزه جامعه شناسی پلیس و تحقیقات ملهم از آن به عنوان یکی از شاخه‌های جامعه شناسی در ایران هنوز ناشناخته باقی مانده، اما این حوزه از جامعه شناسی به ویژه در غرب پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای داشته است. به طوری که نه تنها در گذشته‌ها (به سبب بروز جنگ‌ها و انقلاب‌ها)، بلکه در حال حاضر نیز به علل گوناگون (نظیر ظهور نابهنجاری‌ها، جرایم، آسیب‌های اجتماعی، بی نظمی‌ها، شورش‌ها، نزاع‌های خیابانی و رفتارهای جمعی و ...)، بیشتر تحقیقات اجتماعی از خلال و یا در باره نیروهای نظامی و انتظامی صورت می‌گیرد. این موضوع خود نیازمند بررسی‌های بیشتر است تا ببینیم نسبت‌های میان آن تحقیقات و تحقیقات صورت گرفته در کشورمان چگونه است؟ پر واضح است که توصیف و تحلیل تحقیقات علوم اجتماعی علی‌الخصوص در حوزه پلیس باید در ارتباط با تحولات ملی (انقلاب، جنگ و تحولات فرهنگی و اقتصادی)، منطقه‌ای و به ویژه جهانی مورد نقد و بررسی قرار داد.

با مطالعه گذشته سازمان‌های انتظامی کشور، ردپای روشنی از مطالعات علمی در زمینه نظامات امنیتی و انتظامی، حتی در سازمان‌هایی که ساختار صف و ستاد آنها از هم تفکیک شده بود، مشاهده نمی‌شود و به همین سبب، و نیز فقدان تشکیلات پژوهشی مناسب، تحول و شکوفایی علمی ویژه‌ای در آنها رخ نداده است. بسیاری از مراکز



آموزشی و متون درسی این سازمان‌ها در پیش از انقلاب به تقلید از مراکز مشابه خارجی طراحی و تدوین شده بود. از این رو، هر محققى اگر بخواهد با یک نگاه گذارا به منابع اجتماعى مرتبط با پلیس بنگرد، در خواهد یافت که کمی و کاستی‌های فراوانی در این شاخه از جامعه‌شناسی در کشورمان و در تمامی جنبه‌های آن (مؤسسه‌های تحقیقات اجتماعى، دانشگاه‌ها، محققان و پژوهشگران و تولیدهای علمى) وجود دارد که باید اصلاحات اساسی در آن صورت گیرد. تا از خلال این اصلاحات، مطالعات بعدی بتوانند (هم در درون سازمان و هم در بیرون از سازمان) راهگشا باشد (جهان بخش، ۱۳۸۶؛ احدی، ۱۳۶۸).

به هر حال با وجود همه موانع و مشکلات پیش روی تحقیقات اجتماعى در کشورمان (مهدی و لهسایی زاده، ۱۳۷۵؛ توانایان فرد، ۱۳۵۷). چنین به نظر می‌رسد که حوزه تحقیقات اجتماعى به طور اعم و تحقیقات اجتماعى ملهم از پلیس به طور اخص، در طول چند دهه اخیر کشورمان، به ویژه بعد از انقلاب تولیدات قابل ملاحظه‌ای هم به جهت کمی و هم به لحاظ کیفی صورت گرفته است. با ورود رایانه و نرم افزارهای علوم اجتماعى سطح تحلیل این تحقیقات عمیق تر شده و می‌توان ادعا کرد که این حوزه از علوم پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرده است، هر چند که نباید نارسایی‌های موجود را فراموش کرد.

در این بین برخی سازمان‌های ملی و بین‌المللی مرتبط با پلیس در دنیا به وجود آمده (مانند اینترستتر، اینترپل و)، سمینارها و کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی زیادی نیز همه ساله برگزار می‌شود. آمارها نشان می‌دهد که نه تنها تعداد گزارش‌های دولتی، کتاب (تألیف و ترجمه)، پایان نامه، بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با پلیس افزایش داشته و کیفیت آنها بهتر شده، بلکه تعداد نشریات علوم اجتماعى و نیز مقالات چاپی، علی‌الخصوص نشریات تخصصی مرتبط با حوزه‌های اجتماعى پلیس، با اینکه چندان منظم نبوده اند، اما بسیار بیشتر از گذشته‌ها شده است.

دومین مطلب این است که عمده کارهای علمى در خصوص پلیس با رویکرد اجتماعى، آثاری هستند که در درون سازمان تولید شده‌اند. لذا ما به طور جدی نیازمند تحقیقاتی هستیم که از سوی سازمان‌ها و محققان برون سازمانی (که کمتر سوگیری داشته



و بی طرفانه ترند) صورت گرفته باشد. البته آن دسته از تولیدات علمی درون سازمانی نیز (به گفته امین صارمی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۰) به سبب ضعف تولیدات علمی، سطحی نگری و آسان گیری دانشجویان (که تا اندازه زیادی نشأت گرفته از ساختار آموزش و پژوهش در کلیت جامعه علمی و دانشگاه‌هاست) و تکیه بر رویکردهای آموزشی و حافظه محوری؛ به خوبی انتظارات را برآورده نساخته است.

سومین موضوع آن است که به سبب درون سازمانی بودن اساس و بنیاد بسیاری از تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس، هنوز علاقه‌ای در سازمان های دولتی و غیردولتی و نیز محققان برای انجام تحقیقات اجتماعی مرتبط با پلیس ایجاد نشده است و این تا اندازه‌ای به این معنا است که با وجود توجهات بی شمار سازمان پلیس به تحقیقات اجتماعی طی نزدیک به یک دهه، مشکلات و محدودیت‌های سال‌های دور کماکان به قوت خود باقی بوده و هنوز این حوزه از جامعه شناسی در کشورمان مورد عنایت متخصصان و محققان برون سازمانی به ویژه دانشگاهیان قرار نگرفته است. از این رو، جای خالی تحقیقات اجتماعی ملهم از پلیس در درون دانشگاه‌های کشور به شدت احساس می‌شود.

چهارمین نکته این است که طی سالیان دراز (پلیس‌ها) هنوز انجمن پلیسی ندارند و گفته شده که محدودیت‌هایی برای عضویت آنها در انجمن‌های داخلی و خارجی پلیس یا جامعه شناسی وجود دارد. این موضوع باعث می‌شود که ما از تولیدات بسیاری از انجمن‌های داخلی (مرتبط با جامعه شناسی) و خارجی (مرتبط با جامعه شناسی پلیس) کمتر باخبر شویم. عضویت در این انجمن‌ها به ما کمک خواهد کرد تا بسیاری از اخبار و آثار پلیسی با رویکرد اجتماعی در اختیار ما قرار گیرد.

بنابراین با تمام نقاط ضعف و قوتی که اشاره شد، باید در مجموع گفت که نگاه جامعه شناختی به پلیس در کشورمان غیر مستمر و وضعیتی، متمرکز در درون سازمان پلیس، آمیخته با حوزه سیاسی و بالاخره فاقد سازماندهی تحقیقاتی بوده است. همچنین به دلیل عدم تمرکز در اولویت سنجی و نیز ارتباطات علمی اندک میان مراکز تحقیقات اجتماعی حول پلیس، تنوع موضوعی کم و تکرار در آن زیاد است.



پیشنهادها

با اینکه در حال حاضر بودجه‌های قابل ملاحظه‌ای در سازمان ناجا در خصوص تحقیقات و پژوهش به تصویب می‌رسد و نیز دفاتر تحقیقاتی متعددی نیز در این خصوص در درون سازمان وجود دارد، لکن هنوز هیچ بانک یا پایگاه اطلاعاتی و سامانه پژوهشی قابل دسترس که بتواند در زمان کوتاهی اطلاعات مورد درخواست محققان را به آنها ارائه کند، وجود ندارد. از این رو، تأسیس مرکزی به عنوان «پایگاه اطلاعاتی» ناجا با این مشخصات و قابلیت‌ها ضرورت دارد: الف) متشکل از بانک مختلف کتاب‌ها (تألیفی و ترجمه‌ای)، سمینارها، پایان نامه‌ها، مقالات و غیره. ب) مطالب به صورت چکیده و تمام متن؛ ج) متشکل از بانک‌های مختلف علمی و تحقیقاتی دانشکده یا دفاتر تحقیقات کاربردی راهور، بانک اطلاعات انتظامی، بانک اطلاعات جنایی و امنیتی و ... مطابق با اهداف و مأموریت‌های سازمان ناجا. گفتن این نکته نیز ضرورت دارد که در طراحی سایت‌های اطلاعاتی باید نهایت دقت صورت گیرد تا تنها صرف طراحی، تأسیس یا راه اندازی سایت مطرح نباشد، بلکه باید کمیت و کیفیت اطلاعات ذخیره شده، روزآمد بودن، تسهیلات در اختیار قرار گرفتن اطلاعات، قابلیت‌ها و انعطاف‌های سایت، تنوع و تناسب اطلاعات و از این قبیل نیز مورد توجه باشد. در این خصوص تفحص در سایت‌های اطلاعاتی مراکز، مؤسسات و دانشگاه‌های داخلی و خارجی می‌تواند راهگشا باشد.

یکی از اصول اساسی موفقیت در ذخیره سازی، پردازش و ارائه خدمات اطلاعاتی، وجود ارتباطات درون سازمانی و برون سازمانی در سطوح گوناگون با نهادها و مؤسسه‌های مشابه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباطات درون سازمانی ناجا میان دفاتر، حتی از ساده‌ترین آنها، یعنی از طریق تلفن، بسیار ابتدایی و ناکارآمد است. لذا ما در ابتدا و پیش از هر اقدامی نیازمند طراحی و تدوین چارچوب‌های خاصی برای برقراری ارتباطات مؤثر در درون سازمانی در خصوص ارتباطات علمی و تخصصی هستیم، تا از این طریق ابتدا اصول اولیه و ساده ارتباطات درون سازمانی را فرا گرفته با تولیدها و آثار خویش را با یکدیگر تبادل کنیم، و سپس به ارتباطات برون سازمانی اقدام کنیم. این امر باعث می‌شود که نه تنها کاستی‌های موجود در فرایندهای ارتباطی درون سازمانی نمایان



شود، بلکه شرایط برای برقراری ارتباط با دیگر سازمان‌ها، مؤسسه‌های و مراکز علمی (آموزشی و پژوهشی) کشور آماده شده، ارتقا یابد.

تحقیقات نشان می‌دهد که نوعی جدایی میان واحدهای آموزش و پژوهش‌های دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی وجود دارد که البته ناجا نیز از این قاعده مستثنی نیست. این در حالی است که امروزه بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشورهای توسعه یافته فاصله‌های میان این دو را به حداقل رسانده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد ما نیازمند سازوکارهایی برای نزدیک کردن این دو بخش علمی و تحقیقاتی به یکدیگر هستیم. در این راه استفاده از تجربیات کشورهای دیگر و نیز مسیرهایی که آنان برای حل این مشکل پیموده‌اند، به ویژه آنهایی که تشابه‌های بیشتری به لحاظ ساختارهای اجتماعی و فرهنگی با ما داشته‌اند، ضروری است.

شواهد نشان می‌دهد که تحقیقات اجتماعی مرتبط با پلیس به طور انحصاری در اختیار سازمان پلیس قرار دارد و کمتر مؤسسه یا سازمان دیگری را می‌توان یافت که در این حوزه دست به تحقیق و پژوهش بزند. تنها چند سازمان رسمی که در برخی موارد مأموریت‌ها و وظایف تقریباً مشابه دارند، مانند نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزارت اطلاعات، معاونت امنیتی - انتظامی وزارت کشور گاه به ارائه مطالبی می‌پردازند. برای مثال، تأسیس مجله امنیت در وزارت کشور (که هم اینک دیگر چاپ نمی‌شود) یکی از آن موارد بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد برای افزایش سطح کیفی (و البته کمی) دانش پلیسی و نیز ایجاد نوعی نگاه انتقادی از بیرون، نه تنها ما نیازمند خارج کردن این حوزه از حیطه مالکیت پلیس هستیم، بلکه در این ارتباط بایستی سایر سازمان‌های رسمی و غیر رسمی را در تولید دانش پلیسی تشویق کنیم.

در عین حال برخی از مشکلات تحقیقات ملهم از پلیس، مشکلاتی ساختاری اند (مانند ماهیت شغلی و مأموریت‌های پلیسی، دولتی بودن سازمان پلیس و غیر مدنی بودن آن) و به سادگی و سرعت نمی‌توان آنها را حل کرد. بنابراین با خویشتنداری و صبر و تحمل در خصوص این مشکلات به تعمق پرداخت.



منابع فارسی

- اجلالی، پرویز. (۱۳۸۱). نگاهی به مشکلات آمار جرایم در ایران. مجله جامعه شناسی ایران. دوره چهارم. شماره دوم. صص ۱۱۰ - ۱۳۰.
- احدی، حسن. (۱۳۶۸). کاهش تحقیقات و پژوهش‌های دانشگاه زنگ خطری برای دانشگاه‌ها، استادان و محققان: دیدگاه‌ها. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسین. (بی تا). الماثر و آلاثار. تهران: سنایی.
- امین صارمی، نوذر. (۱۳۸۴). دانشگاه و چالش‌های پژوهش محوری (بررسی جامعه شناختی موانع و تنگناهای گرایش دانشجویان دافوس به فعالیت‌های پژوهشی). تهران: معاونت پژوهش دانشگاه علوم انتظامی.
- آزاد ارمکی، محمد تقی. (۱۳۷۸). جامعه شناسی جامعه شناسی در ایران. تهران: کلمه.
- بری دال، اسون. (۱۳۸۰). گزارش نظمیه تهران: دستیار کارآگاه پلیس و رئیس اداره تامینات تهران در سال‌های ۱۹۱۲ - ۱۹۱۵. عبدالرضا بهادری. تهران: دستان.
- ترابی، یوسف و محبوبی منش، حسین. (۱۳۸۱). درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات پلیسی در ایران معاصر. فصلنامه دانش انتظامی. سال چهارم. شماره ۱.
- توانایان فرد، حسن. (۱۳۵۷). جامعه شناسی ایران امروز. تهران: احیاء.
- جهان بخش، اسماعیل. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت تحقیقات اجتماعی در دانشگاه‌های کشور. حریه، هادی. (۱۳۶۷). مآخذ شناسی پلیس. تهران: شهربانی جمهوری اسلامی ایران.
- حسام، فرحناز. (۱۳۷۸). تحقیقات اجتماعی زنان. چاپ در کتاب وضعیت تحقیقات اجتماعی فرهنگ در ایران. تهران: رسانش.
- راسخ، بهنام و شاپور، جمشید. (۱۳۴۷). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی ایران. تهران: خوارزمی.
- روملو، حسن بیک. (۱۳۵۷). احسن التواریخ. به تصحیح عبدالحسین نوابی. تهران: بابک.
- سلطانی، پوری و اقتدار، رضا. (۱۳۶۹). راهنمای مجله‌های ایران ۱۳۴۷ - ۱۳۶۸. تهران: ۱۳۶۹.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی. (۱۳۶۲). نظم و نظمیه در دوره قاجاریه. تهران: یساولی.
- سیفی قمی تفرشی، مرتضی. (۱۳۷۶). پلیس خفیه ایران ۱۲۹۹ - ۱۳۲۰. مروری بر رخدادهای سیاسی و تاریخیچه شهربانی. تهران: ققنوس.
- شیخ رضایی، انسیه و آذری، شهلا. (۱۳۷۷). گزارش‌های نظمیه از محلات تهران. تهران: سازمان اسناد ملی ایران.

- شیخی، محمد تقی. (۱۳۸۰). بررسی تحقیقات اجتماعی در جوامع رو به توسعه با تأکید بر ایران. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران: صص ۱۹۱ - ۲۱۲.
- صادقی، هوشنگ. (۱۳۶۲). سیر تکاملی پلیس در ایران. پایان نامه دروه عالی شهرتانی سابق. به راهنمایی شرقی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه شناسی در ایران؛ وضعیت آن در گذشته و حال و جایگاه و نقش آن در آینده. نشریه رهیافت، شماره ۱۳، ص ۸۱.
- قاسمی، سی فرید. (۱۳۷۲). راهنمای مطبوعات ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۷۱). تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات رسانه ها.
- محسنی، منوچهر و کوثری، مسعود. (۱۳۷۸). وضعیت تحقیقات اجتماعی فرهنگ در ایران. تهران: رسانه.
- معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۸۳). سیر تحولی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. اداره کل مطالعات اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- معاونت اجتماعی ناجا. (۱۳۸۴). شناسنامه و چکیده تحقیقات و مطالعات اجتماعی (ویژه نامه). نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. اداره کل مطالعات اجتماعی معاونت اجتماعی ناجا. تهران: آشنایی.
- مهدی، علی اکبر و لهسایی زاده، عبدالعلی. (۱۳۷۵). جامعه شناسی در ایران. نوشین احمدی خراسانی. تهران: توسعه.